

اول لبخند

دلستان نخواهد، همکاری داشتم که خیلی تیپ ملّی بودن را دوست داشت. به «فارسی» می‌گفت «پارسی» و به جای سلام، درود. همه پست‌هایی که اولش شاه، ترجیحاً شاهنامه داشت را هم لایک می‌کرد و در قسمت نظرات، یک درود می‌نوشت، اگر گذارنده پُست، مرد بود، «درود» خالی و اگر زن بود، درود بانو! برای بعضی از بانوهای خاص، یک «مهر» هم به پس یا پیش آن بانو، اضافه می‌کرد. بعدتر البته با مخالفت شدید و تهدید همسرش روبرو شد و همان بانوی خالی را کامنت می‌کرد که کاری نداریم.

خلاصه همکار ما علاوه بر این حجم گسترده از فعالیت ملی‌گرایی و وطن‌دوستانه! پای ثابت پست‌های دکتر شفیعی‌کدکنی هم بود و هرچه که در صفحه ایشان یا درباره ایشان، یا نقل‌قول ایشان، یا عکس ایشان یا هشتک ایشان می‌دید، بدون لحظه‌ای تأمل، لایک و ذخیره و درود و استوری و ارسال برای همه (send to all) روی‌ش‌اش بود. تا اینکه همین چندماه قبل، دکتر شفیعی‌کدکنی، با استناد به نسخه‌های معتبر شاهنامه، بعضی شعرهایی که در دوره پهلوی جعل شده و به شاهنامه فردوسی اضافه شده بود را منتشر کرد. مثلاً:

بسی رنج بردم در این سال سی

عجم زنده کردم بدین پارسی

جعلی است و فردوسی خیلی متواضع‌تر از این حرف‌ها بوده که از خودش تعریف کند. ایضاً بیت: «که رستم یلی بود از سیستان / منش کردمی رستم داستان» جعلی است و علاوه بر تواضع گفته‌شده در بالا، فردوسی اینقدر بی‌معرفت نبوده که حالا یک کاری برای رستم کرده، بیاید در شاهنامه بگوید که ال و پل. یا مثلاً: «تفو بر تو ای چرخ گردون تفو» هم با پس و پیش آن، کلاً جعلی است و اصولاً آدم فرهیخته و حکیمی مانند فردوسی، توی خیابان هم تفو نمی‌انداخته، چه رسد به اینکه وسط کتابش تفو کند. این یکی را دیگر باور نخواهید کرد:

چو ایران نباشد تن من مباد

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد

که حکیم توس آن را نسرا نیده و مثل بقیه ابیاتی که اشاره شد، جعلی و باسمة‌ای است و کاشف به عمل آمد که قبلاً هم اساتید بزرگ ادبیات فارسی مانند ملک‌الشعرای بهار، مجتبی مینوی، جلال خالقی، ابوالفضل خطیبی و دیگران، این افشاگری را گفته و نوشته بوده‌اند. خلاصه، عرض کنم که، در پایان هم استاد شفیعی‌کدکنی، فهرستی از شاهنامه‌های معتبر منتشر کرد که در دفتر مجله و همه سایت‌ها و کتابخانه‌ها و اسناد و مطبوعات و کتاب‌های شاهنامه‌پژوهی، محفوظ است و خدای نکرده، زبانم لال، اگر قصد پژوهش یا تحقیق داشتید، می‌توانید مراجعه کنید.

کجا بودیم؟ آهان! همکار ما، با انتشار این پست، تا چند روز در حالت system is processing ... بود و صدا یا حرکتی از او در فضای مجازی یا حتی حقیقی دیده نمی‌شد. بعد از چند روز، او که در زادروز سعدی و روز جهانی مولانا هم، این ابیات فردوسی را استوری می‌کرد، حالا در روز تولد فردوسی و سر خاکش در توس هم، فال حافظ می‌خرد و سراغ دیرمغان و نغمه رباب را می‌گرفت که با ورود دوباره همسرش، بی‌خیال نغمه و رباب شد.

بعدتر، هرچه از نیچه بود را هم لایک می‌کرد و در قسمت نظرات، یک درود می‌نوشت، اگر گذارنده پُست مرد بود، درود خالی و اگر زن بود، درود بانو! این بار برای بعضی از بانوهای خاص، یک «مهر» هم به پس یا پیش «درود» اضافه می‌کرد. خیلی پرت شدیم.

اصلاً می‌خواستم بگویم این ویژه‌نامه را از رویدادها و آدم‌ها و جاهای حساس کنونی سال ۱۴۰۰ (یعنی آخرین سال قرن چهارم هجری) برایتان آماده کرده‌ایم با نمک طنز. گفتیم اگر یک روز، یکی خواست «شعری» به کتاب امسال، اضافه یا از آن کم کند، شما خواننده فرهیخته و اهل مطالعه و کتابخوان و پژوهشگر و به دنبال حقیقت و نپذیرنده ادعای بی‌سند و لایک‌نکننده حرف بی‌منبع، بتوانید راحت پایتان را روی پایتان بیاندازید و با مرور «ویژه‌نامه ایران ۱۴۰۰»، هم به گُنه ماجرا پی ببرید و هم لایک و استوری کنید و در قسمت نظرات یک «درود» بنویسید و اگر گذارنده پُست مرد بود، «درود» خالی و ... بگذریم، بفرمایید ویژه‌نامه!

بهباد

توفیق فر

ایران

ویژه‌نامه طنز نوروزی

شماره اول × بهار ۱۴۰۱

۴

قرارداد ۲۵ ساله همکاری اقتصادی ایران و چین امضا شد. با افزایش تراز تجاری ایران با چین در سال ۱۴۰۰، آنها که روز امضای قرارداد حرف از فروش جزایر و خاک ایران می‌زدند، به اتاق رفتند و در را پشت سرشان کوبیدند.

آستین
بهرمن
چرا
ایران
مهر
شهریور
مرداد
مهر
اردیبهشت
فروردین